

لزوم تفسیر موضوعی آیات جهت تسریع در روند علمی شدن مباحث علوم انسانی

روح الله زاهری*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۵

زهرا زاهری**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۷

چکیده

در عصر کنونی به همان میزان که علم و صنعت پیشرفت حاصل نموده است سطح عقول انسانی نیز تحت تأثیر این پیشرفت قرار گرفته است. لذا ضروری است که در این شرایط خاص زمانی، مبانی قرآن کریم به صورت علمی و با توجه به نیازها و سطح فکری جوامع انسانی عصر حاضر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. یک راهکار برای نیل به این هدف، تمرکز بر «موضوعی نمودن» آیات قرآن است به این صورت که راجع به مباحث مختلف علوم انسانی، آیات مرتبط با آن موضوعات را به صورت سرفصل منسجم و به صورت «موضوعی» مرتب ساخته و سپس در مناسبت‌ها و موقعیت‌های گوناگون در کتب مختلف و به فراخور موضوع، برای تحلیل و واکاوی مسائل مختلف علوم انسانی از آن استفاده شود؛ لذا ضروری می‌نماید که با بازبینی تفاسیر موضوعی، آن موضوعات تفسیری در قالب‌های کاملاً علمی، منطقی و استدلالی، در سرفصل کلیه علوم و خصوصاً کتب علوم انسانی به صورت گسترده (نه فقط در کتب تفسیری) گنجانده شود. **کلیدواژگان:** قرآن کریم، علوم انسانی، تفسیر موضوعی، علم.

rohollahz1360@gmail.com

* کارشناسی ارشد، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور ملکشاهی.

** کارشناسی ارشد، مدرس مدعو گروه معارف اسلامی دانشگاه ایلام و دانشگاه فرهنگیان ایلام.

rm201047@yahoo.com

نویسنده مسئول: روح الله زاهری

مقدمه

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته توسط مسئولین آموزشی و پرورشی دولت‌ها و کشورهای اسلامی و جوامع کنونی، مخصوصاً در مدارس و دانشگاه‌های اسلامی امروزی، باز هم قرآن کریم و آموزه‌های این گنج عظیم مهجور مانده است و عملاً استفاده از قرآن کریم و مطالب گرانقدر آن فقط در گستره بسیار محدودی ارائه شده است. به طور مثال در دانشگاه‌های صنعتی و دانشکده‌های علوم فنی و مهندسی و... تقریباً استفاده از مطالب قرآنی در کتاب‌های این رشته صفر است که این موضوع خود به طور اتوماتیک وار باعث دورماندن غالب دانشجویان این رشته‌ها از مبانی و علوم بی‌کران قرآن که معجزه جاوید اسلام است، می‌گردد. هرچند که مسئولین آموزشی دانشگاه‌ها برای جبران این مورد دروسی مذهبی که مباحث قرآنی در آن به صورت محدود آمده است را در طول ترم‌های دانشگاهی در واحدهای دانشگاهی به صورت واحدهای عمومی گنجانده‌اند که چند واحد مختصر درسی آن هم به صورت دروس عمومی به هیچ عنوان نمی‌تواند جوابگوی این ضعف یعنی ضعف دوری از علوم و مبانی قرآن باشد. لذا ضرورت دارد که مسئولین و متفکرین جوامع اسلامی با یک بازنگری کلی در اصول اولیه آموزشی به صورت کاملاً متفاوت از اصول آموزشی قبلی و به صورت مناسب‌تر و واقع‌بینانه‌تری عمل نمایند و در این بازنگری کلی به صورتی عمل شود که آموزه‌ها و علوم قرآنی در سرفصل کلیه علوم خصوصاً علوم انسانی و همچنین در لابه‌لای مطالب علمی کلیه کتب درسی و غیر درسی خصوصاً کتب درسی دانشجویان دانشگاه‌ها گنجانده شود و برای دستیابی به این نظریه و عملی شدن این ایده، از راهکارهای مناسب و محققانه و منطقی استفاده گردد.

طریقه و روش آموزش قرآن کریم در کشور ما و اکثر کشورهای اسلامی به صورتی است که اغلب دیده می‌شود که حتی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مقاطع بالاتر در رشته‌های مختلف به خوبی حتی روخوانی و روانخوانی ساده قرآن کریم در سطح مقدماتی و ابتدایی را نیز به خوبی نمی‌دانند، و این در حالی است که از همان مقطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و... تقریباً همیشه با درس قرآن کریم ارتباط دارند و جزء واحدهای درسی آن‌ها می‌باشد ولی به علت طریقه نامناسب آموزشی با وجود خواندن چندین کتاب درسی قرآن در طول تحصیل ولی باز هم نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود.

لذا ضرورت دارد که مسئولین ذی ربط درباره این موضوع بازنگری مجدد انجام دهند و برای حل این موضوع اقدامی مناسب و عملی و منطقی صورت دهند؛ زیرا قرآن کریم مهم‌ترین کتاب مسلمانان است و بسیار ناراحت کننده است که یک شخص مسلمان مهم‌ترین کتاب دین خود را حتی به صورت روخوانی و روانخوانی ساده نتواند بخواند.

پیشینه تحقیق

با مراجعه به سایت‌های مختلف و کتابخانه‌ها، به کتابی تحت این عنوان برخورد نکردیم. «تفسیر موضوعی و علوم انسانی» نوشته محمدرضا بخشی پژوهشگر دفتر قرآن و حدیث گروه پژوهش‌های بنیادی، و همچنین «تفاسیر موضوعی و شیوه‌های تقسیم معارف اسلامی» نوشته علی محمد قاسمی در نشریه معرفت سال ۱۳۸۴ شماره ۹۶، در کنار موضوع اصلی مقاله، اشاراتی مختصر داشته‌اند.

مفهوم شناسی

علوم انسانی

«علوم انسانی بر اساس موضوع به دسته‌ای از علوم اطلاق می‌شود که به مسائلی چون جامعه، فرهنگ، زبان، رفتار و کنش انسان، و روان و اندیشه افراد توجه دارد. جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی و تاریخ چند نمونه از رشته‌های علوم انسانی‌اند. در عین حال، بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی چون مدیریت، اقتصاد، حسابداری، جغرافیا و روان‌شناسی و... برای تجزیه و تحلیل از برخی علوم غیر انسانی همچون ریاضیات کاربردی (در مدیریت)، آمار کاربردی و تحلیل رگرسیون (اقتصاد و روان‌شناسی)، GIS و سیستم‌های راداری و سنجش از دور (در جغرافیا) و سایر روش‌های تجربی استفاده می‌کنند» (رجایی، ۱۳۸۹: ۵۰).

تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی کوششی بشری است در فهم روشمند پاسخی از قرآن در سایه گردآوری- مبتنی بر تئوری- آیات، به مسائل و موضوعات زنده عملی و نظری- برخاسته

از معارف بشری و احوال حیات جمعی - که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن باره داشته باشد (سنتاوی، ۱۹۳۳م، ج ۸: ۳۵۸).

تفسیر موضوعی از منظری دیگر می‌تواند به یکی از دو روش زیر انجام گیرد:

۱. مفسر ابتدا مسأله یا موضوعی از موضوعات زندگی را مطرح کرده، بر اساس مبانی کلامی، فقهی، فلسفی، اجتماعی، سیاسی و... آن را تحلیل می‌کند. سپس در صدد یافتن شواهدی از قرآن برای تأیید اندیشه خود یا تطبیق آیه بر دیدگاه خود برمی‌آید.
۲. مفسر موضوع را انتخاب کرده، قبل از هرگونه پیش داوری و با کم‌ترین پیش‌فرض‌های کلامی و فقهی و علمی به سراغ آیات قرآن می‌آید تا دیدگاه قرآن را درباره آن موضوع کشف کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۰-۲۹).

فراهم کردن مقدمات علمی شدن

برای اینکه بتوان مباحث علوم انسانی را در آیات قرآنی به صورت علمی درآورد باید ابتدا مقدمات این امر را فراهم سازیم و مقدمات این امر را باید در مقاطع تحصیلی دانش‌آموزی و دانشجویی نهادینه کرد تا با آشنا نمودن دانش‌آموزان از همان ابتدا مقدمات علمی نمودن مفاهیم قرآن کریم در علوم مختلف را در سطوح و مقاطع تحصیلی بالاتر فراهم نمود. بدیهی است که شخصی که با پیشینه علم قرآن آشنایی دارد خیلی بهتر می‌تواند در کشف نکات پنهان آن علم و بررسی زوایای مختلف یک مبحث خاص از آن علم ابراز نظر نماید.

سرفصل قرار دادن آیات مربوطه در فصل اول کتب درسی

یکی از راهکارهای علمی نمودن مباحث علوم انسانی مطرح شده در قرآن کریم این است که در فصل اول کتب درسی (به فرض کتاب‌های درسی دانشگاهی) آیه یا آیاتی از قرآن کریم که مرتبط با موضوع کتاب درسی می‌باشد و این آیات قبلاً توسط متخصصین علوم قرآنی شناسایی و انتخاب شده‌اند، آورده شود و در همان فصل اول، این آیه و یا آیات به صورت جامع توضیح داده شوند و در این قسمت بحث فقط بر روی معانی باشد. به این نحو که آن آیه به همراه ترجمه صحیح آن بیان، سپس بعد از ترجمه شدن آیه،

دانشجویان به ارتباط آیه با موضوع کتاب توجه نمایند و ضمن اینکه در اثنای این فصل نظرات مفسرین و محققان علوم قرآنی در رابطه با این آیات می‌آید، در پایان از دانشجویان خواسته می‌شود که راجع به ارتباط احتمالی این آیه با موضوع کتاب با رویکردهای مختلف و متنوع به صورت علمی تحقیق و پژوهش (در قالب مقاله، پایان‌نامه، تحقیق و...) نمایند؛ و برای تشویق دانشجویان به این امر برای آن‌ها در میان ترم و یا پایان ترم نمره‌ای مناسب قرار دهند و نیز برنامه ریزی مسئولین در این دروس به نحوی باشد که در سؤالات پایان ترم نیز از این فصل که در آن ارتباط آیات با علوم مخصوصاً علوم انسانی در آن ذکر شده است نیز سؤالاتی مطرح شود تا دانشجویان لزوماً این فصل را به همراه سایر فصول بخوانند.

اگر این امر صورت پذیرد نتایج آن در جهت بالا بردن رشد و گسترش روند علمی کردن مباحث علوم انسانی در قرآن کریم و تسریع این امر بسیار قابل توجه و قابل ذکر است زیرا به قول معروف با یک تیر چند نشان زدن است. به این نحو که اولاً موقعی که قرآن کریم در سرفصل کلیه دروس و کتب دانشگاهی باشد به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه منشأ برکات و هدایت برای دانشجویان می‌شود به صورت خلاصه چند تا از برکت‌های این موضوع چنین است: دانشجویان به علت اینکه در کلیه درس‌های‌شان با قرآن کریم سر و کار دارند؛ در نتیجه همیشه با طهارت وارد کلاس می‌شوند، ضمن اینکه هنگامی که در کلیه دروس نامی از قرآن کریم به میان می‌آید جوّ معنوی در کلاس و دانشگاه حاکم خواهد گردید. دانشجویان در صورت انجام این امر حداقل با روحوانی و روانخوانی قرآن کریم تا حدودی آشنا می‌شوند و چه بسا همین عامل باعث ایجاد جرقه‌ای در وجود آن‌ها جهت یادگیری کامل قرآن باشد، از نتایج و برکات دیگر این امر که هدف اصلی و نتیجه اصلی از ارائه این مقاله است این است که قرآن کریم به صورت منبعی علمی به صورت کاملاً محسوس‌تر در نزد دانشجویان درمی‌آید و بالطبع مراجعه دانشجویان به این کتاب عظیم که معجزه جاوید است بسیار بیش‌تر خواهد شد که همین مراجعه مکرر دانشجویان به قرآن کریم به صورت متوالی و منسجم و همیشگی موجب آشنایی هرچه بیش‌تر آن‌ها با قرآن کریم و مباحث علمی آن خواهد شد و به علت اینکه دانشجویان هر ترم جدیدی که به دانشگاه می‌آیند و این آیات را خودشان

بررسی می‌کنند به مرور زمان خود دانشجویان از درون آیات قرآن کریم نکاتی بسیار مهم برداشت و دریافت می‌کنند که چه بسا دریافت آن نکات جدید از سوی دانشجویان جوان نسل‌های بعدی از دریافت‌ها و برداشت‌های دانشمندان قبلی هم علمی‌تر و قابل عرضه‌تر باشد.

وظیفه مسئولین در این رابطه باید معرفی کردن آیات در سرفصل‌ها باشد و این مهم یعنی انتخاب آیاتی برای سرفصل قرار دادن در کتب درسی فقط بر عهده گروهی از متخصصین حوزه علوم قرآنی است که از میان آیات فراوان قرآن کریم تنها آیاتی را به عنوان سرفصل معرفی نمایند که به موضوع اصلی کتب مختلف ارتباط داشته باشد. این آیات که توسط متخصصین علوم قرآنی در سرفصل کتب مختلف قرار داده شده است در فصل اول آورده می‌شوند و توضیحاتی که در مورد این آیه از سوی متخصصین علوم قرآنی آمده است باید فقط در حد کلی گویی باشد، و از پرداختن به جزئیات جداً اجتناب گردد و تنها برای آشنایی دانشجویان از تفاسیری که در مورد آن آیه مورد نظر شده چند مورد را ذکر کنند. سرفصل کتب فقط باید به صورت کلی به آیاتی در رابطه با آن موضوع خاص اشاره نماید و بررسی و تحلیل جزئیات آن بر عهده دانشجویان گذاشته شود که چه بسا دانشجویان خود نظراتی جدیدتر و علمی‌تر از آیات قرآن کریم استنتاج می‌کنند که بر مفسرین قبلی پوشیده باشد.

عملی نمودن طرح سرفصل قرار دادن آیات قرآن در کتب علوم مختلف مخصوصاً علوم انسانی

در موضوع سرفصل قرار دادن آیات قرآن در کتب علوم مختلف و علی‌الخصوص کتب علوم انسانی نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که هدف از این کار (فعلاً) در این مقطع زمانی صرفاً مطرح نمودن و عملی نمودن این امر است نه اینکه انتظار رسیدن به کمال مطلوب را در زمانی سریع و در اوایل امر داشته باشیم؛ ما در این مرحله زمانی فقط می‌آییم و برای موضوعات مختلف علمی آیاتی متناسب با آن موضوع‌ها را در آن کتب می‌آوریم و در این مرحله هدف این است که آیاتی از قرآن که دارای اشاره اجمالی به موضوع خاص است در سرفصل موضوعاتی خاص گنجانده شود و دانشجویان با آن

آیات که در زمینه‌های مختلف سرفصل قرار داده شده‌اند آشنا شوند و به سوی این امر کشانده شوند، و متوجه گردند که آیات قرآن در زمینه‌های مختلف و در موضوعات گوناگون می‌تواند به صورت مرجعی علمی مد نظر قرار گیرد و آنگاه در گام بعدی خود دانشجویان با محور قرار دادن آیه‌ای که در آن کتب سرفصل قرار داده شده پیرامون آن آیه سرفصل به طور کاملاً وسیع‌تر و دیدگاهی بازتر به تحقیقات و ابراز نظر بپردازند و از این رهگذر به نتایج جدیدتر و کامل‌تر بپردازند و به مرور زمان حجاب از چهره بعضی از آیات که شاید قبلاً بر مردم پوشیده بود بردارند و معجزه‌های این کتاب جاوید آشکارتر گردد؛ زیرا قرآن کتاب جاوید است و همواره و برای مردم هر عصری چهره‌ای جدید و بعدی جدید از آن ظاهر و آشکار می‌گردد.

ارتباط علوم انسانی با تمام علوم دیگر از طریق آیات قرآن کریم

باید گفت که تمام علوم همانند ریاضیات، فیزیک، شیمی و علمی از این قبیل، هنگامی که در سرفصل کتب آن‌ها آیات قرآنی قرار داده شود، و در سرفصل این علوم آیات قرآن به عنوان آغاز و ابتدا آمده باشد به صورت ناخودآگاه تمامی این علوم را می‌توان نوعی علوم انسانی دانست. به عنوان مثال هنگامی که در علم فیزیک از آیه‌ای از قرآن استفاده می‌شود که مربوط به یکی از مباحث و موضوعات آن کتاب فیزیک است خودبه‌خود عقول انسانی در تفکر به معانی و مفاهیم آن آیه خاص به سمتی کشیده می‌شود که همان نگرش علوم انسانی به مسائل است.

در هنگام بررسی آیه‌ای از قرآن در مبحث فیزیک، خودبه‌خود شخص خواننده کتاب فیزیک با تفکر در آیه سرفصل قرار داده شده، دریچه‌ای برای تفکر در مبانی دینی و قرآنی بر روی وی گشوده می‌شود که می‌تواند با تأمل در آیه قرآنی و مرتبط با موضوع کتاب در مسیر خداشناسی و خودسازی گام بردارد که همین بررسی آیات قرآنی می‌تواند زمینه‌ای برای هدایت معنوی و تقویت خداشناسی در اشخاص باشد و این هدایت شدن به سمت معنویات و معنویات قرآنی بستری است برای نزدیک شدن و ورود به مباحث علوم انسانی. بنابراین با ادبیاتی دیگر می‌توان گفت که تمام علوم هنگامی که آیات قرآن در آن سرفصل قرار داده شوند به نوعی علوم انسانی محسوب می‌گردند زیرا با

اثبات نقش مرجعیت علمی قرآن در تمام علوم، محققان تمام علوم به سمت تفکر در علوم الهی و انسانی رهنمون می‌گردند.

گفتنی است که یک آیه که سر فصل یک کتاب قرار می‌گیرد می‌تواند به مناسبت‌های مختلف در سرفصل کتب مختلف دیگری که مرتبط با آن موضوع خاص است نیز مورد استفاده قرار گیرد، و سرفصل قرار گرفتن یک آیه در یک کتاب معنای محدود نمودن معانی آن آیه به همان کتاب و موضوع خاص نبوده و در موضوعات و کتب مختلف دیگری نیز می‌تواند همان آیه سرفصل قرار داده شود.

زنده و جاوید بودن و عصری بودن قرآن کریم

بارها شاهد آن بوده‌ایم که خودمان آیه‌ای را بارها و بارها قرائت کردیم ولی ما مفهومی خاص از آن برداشت کرده و مفاهیمی دیده شده که شخصی دیگر ممکن است همان آیه را فقط یک بار خوانده باشد و معانی و مفاهیمی از آن برداشت کرده باشد که به فکر ما که بارها آن آیه را خوانده‌ایم حتی‌الاحتمال هم نکرده است، و این همان زنده و جاوید بودن قرآن کریم و روشن شدن معانی و مفاهیم بسیاری از آیات قرآن کریم در رهگذر زمان را نشان می‌دهد و هرچه زمان به جلوتر می‌رود و عقول انسانی تکامل بیشتری می‌یابد زوایای جدیدی از معانی آیات قرآن کریم ظاهر می‌گردد که معجزه جاوید بودن آن را بیش‌تر اثبات می‌نماید.

قطعاً قرآن برای عصر خاصی نیست آیات بسیاری از قرآن به صراحت این موضوع را تبیین کرده که قرآن هدایت برای تمامی انسان‌ها و نه برای عصر و زمان خاصی و بنا به تعبیر روایات قرآن همچون ماه و خورشید جریان دارد و توقف در آن معنی ندارد. لکن از آنجا که برداشت‌های نو از قرآن و معارف دینی و عرضه آن‌ها بر اساس خواست زمان، همان «به روز شدن» تفسیر قرآن است، بجاست که ابتدا معنای تقاضای زمان و خواست روز، روشن شود تا بتوان برای تفسیر عصری و عرضه مفاهیم قرآنی مطابق مقتضیات زمان، معیار درستی به دست داد و تقاضای زمان به این معناست که احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر می‌کند، یعنی احتیاج بشر در هر زمان یک نوع تقاضایی دارد. نتیجه‌ای که از مجموع این ادله به دست می‌آید، این است که زمان و مکان اجمالاً در فهم قرآن

تأثیر دارند و می‌توان آن را به عنوان یک قانون کلی بدین صورت بیان کرد: ملاک کلی در برداشت نو از قرآن کریم در هر زمان و مکان، کشف قرینه‌ای جدید است که مسیر فهم و دریافت معنی را عوض می‌کند. این قرینه گاه به وسیله دانش بشری کشف می‌شود و گاه با برخورد و تضارب آراء، گاهی نیز این قرینه با دقت و تعمق بیش‌تر در آیه و یا روایت مربوطه به آن مکشوف می‌گردد، که خود قرینه‌ای منفصل است (لوح فشرده پرسیمان، اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، کد: ۱۰۰۱۱۶۶۲۷/۲).

لذا گفتنی است اینکه ما در این مقاله سعی بر این داریم که آیات قرآن را سرفصل کتب مختلف قرار دهیم و در واقع با در معرض قرار دادن آیات قرآن کریم در اذهان عموم مردم و خصوصاً دانشجویان محقق است که در رهگذر زمان نکات و برداشت‌های جدیدی از قرآن کریم قابل حصول می‌باشد.

عدم تحمیل نظرات خود بر دیگران و دوری از تفسیر به رأی

واژه تفسیر از «فَسَّرَ» به معنای روشن کردن و آشکار ساختن است و تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار، که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۳). «رأی» عبارت است از آن تصوراتی که مانند محسوسات مورد رؤیت ذهنی باشد و در اصطلاح به معنای «اعتقاد حاصل از اجتهاد و تفکر» استعمال می‌شود (زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۲۹).

یکی از نکات بسیار قابل توجه در بحث سرفصل قرار دادن آیات قرآن کریم در علوم مختلف این است که به هیچ عنوان نظرات علمی و برداشت‌های شخصی و سطحی به عنوان تفسیر قطعی آیه به حساب آورده نشود و در واقع با تحمیل نظرات خود بر قرآن کریم به نوعی دچار تفسیر به رأی نگردیم کما اینکه بسیاری از دانشمندان قرآنی خصوصاً در قرون اخیر به قصد اینکه قرآن کریم را به صورت علمی تفسیر نمایند به وادی خطرناکی افتادند، و به صورت ناخودآگاه دچار نوعی تحمیل رأی بر قرآن کریم گردیدند و این خود خطر معنوی را به دنبال خواهد داشت زیرا تحمیل نظریات علمی که بعضی از آن‌ها اثبات نشده و در حد فرضیه است بر قرآن کریم، علاوه بر اینکه خود نوعی

تفسیر به رأی به شمار می‌رود خطر بزرگ دیگری نیز دارد و آن این است که اگر کسی به فرض نظریه‌ای علمی را به قرآن نسبت دهد و تحمیل کند ولی بعد از مدتی محققان خلاف آن نظریه علمی را اثبات کنند این خود، دستاویز مناسبی برای دشمنان دین اسلام خواهد گردید و مثلاً می‌گویند که علم روز، خلاف آیه قرآن را ثابت کرده و با این دستاویز حجیت و معجزه بودن قرآن کریم را زیر سؤال خواهند برد؛ لذا ضرورت دارد که نظریات دانشجویان و برداشت‌های شخصی دانشجویان در مورد آیات سرفصل قرار داده شده، فقط با عنوان برداشت‌های شخصی هر دانشجویی اطلاق گردد و نه تفسیر قطعی آن آیه محسوب شود. در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) نقل شده است که «من فسر القرآن برأیه إن أصاب لم یوجر و إن اخطأ فهو أبعد من السماء؛ کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند، اگر (تصادفاً) مطابق واقع شود اجر و پاداشی نخواهد داشت و اگر خطا کند آنچنان سقوط می‌کند که گویی از آسمان به زمین افتاده است (عیاشی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۷۱).

قرآن کتاب هدایت

باید توجه کرد که قرآن کریم کتاب هدایت است و سعادت بشری نیز مرهون عمل به دستورات خداوند در قرآن کریم است. نکته گفتنی این است که در قرآن کریم در لابه‌لای مطالب هدایتی گهگاه به نکاتی علمی نیز اشاره اجمالی فرموده است که توجه به این آیات که در آن‌ها اشارات علمی شده است خود، معجزه بودن این کتاب الهی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که انسان به خوبی درمی‌یابد که اشاره قرآن به آن نکته علمی خاص در آن مقطع زمانی که علوم در آن زمان در حد بسیار پایین‌تر از حال حاضر بوده بیانگر علم بی‌نهایت نازل کننده آن بوده، و به فرض مثال امروزه و در همین دنیای انسانی کنونی بعضی اوقات یک سخنران که در مراسمی یا همایشی به ایراد سخن و سخنرانی می‌پردازد گاهی مطالبی را در لابه‌لای مطلب اصلی ذکر می‌نماید که نشان‌دهنده تسلط آن شخص به آن علم و احیاناً به علوم دیگر می‌باشد. در قرآن کریم نیز به همین شیوه عمل شده است و در لابه‌لای مطالب اصلی که همان هدایت بشری است به مطالبی دیگر به صورت ضمنی و گذرا اشاره اجمالی شده است که در مورد قرآن کریم باید گفت که

علم پیشرفته کنونی در این مورد اشارات علمی اجمالی قرآن کریم در حیرت و شگفتی فرو رفته است و بیان مطالب اجمالی علمی از سوی قرآن کریم، اثبات معجزه بودن قرآن کریم را برای دانشمندان علمی سراسر جهان که تعصب و امراض انحرافی نداشته باشند خیلی آسان تر می‌نماید؛ زیرا به خوبی برای دانشمندان در علوم مختلف قابل فهم است که این مطالب دقیق علمی که در آن زمان از طریق قرآن کریم بیان شده فقط می‌تواند از مصدر و منبعی برتر از مصادر و منابع انسانی و دنیوی صادر شده باشد. لذا با توجه به این نکات دقیق قرآنی و اشارات علمی قرآن کریم دانشمندان زیادی با محور قرار دادن آیات قرآن به تفحص در اموری از علوم مختلف پرداخته‌اند که ظاهراً سهم ممالک غیر اسلامی از تحقیق در زمینه‌های مختلف آیات و علمی آیات قرآن کریم بیش تر از ممالک اسلامی هم بوده است.

ضعف اساسی در تعلیم آموزه‌های قرآنی در علوم انسانی

در کشور ما و سایر ممالک اسلامی ضعف شدیدی در تبیین مفاهیم دینی و بیان آموزه‌های قرآنی در علوم انسانی و سایر علوم وجود دارد که به هیچ وجه جوابگوی نیازهای بشری امروزه و حتی در دوره‌های قبل نبوده است. مثلاً به عنوان مثال در نظر می‌گیریم که در کشور ما درس قرآن به نحوی تدریس و به دانشجویان ارائه می‌گردد که به هیچ وجه نتایج مطلوب حاصل نمی‌گردد. در حال حاضر شاهد هستیم که یک فرد ایرانی در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، پیش دانشگاهی و دانشگاهی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و...) دروس و کتب قرآن را می‌خوانده ولی متأسفانه دیده می‌شود که دانشجویان، فارغ التحصیلان دکترای دانشگاه‌های کشور حتی دانشجویان علوم قرآن و حدیث و رشته‌های مرتبط با قرآن اکثراً حتی قادر به روخوانی و روانخوانی ساده قرآن کریم هم نیستند. لذا می‌طلبند که مسئولین دولتی و آموزشی با ارائه راهکارهای مختلف و با بهره‌گیری و استمداد از دانشمندان و محققین قرآنی چاره‌ای برای این موضوع بیندیشند و برنامه‌های آموزشی قرآن را به نحو مطلوب‌تری ارائه نمایند تا شاهد چنین موضوعی نباشیم. البته این موضوع در دروس و کتب دیگر هم صدق می‌کند؛ مثلاً اکثر دانشجویان مقاطع تحصیلی بالاتر مانند ارشد و دکترا در طول تحصیل

خود چندین کتاب زبان انگلیسی یا عربی یا ... را خوانده‌اند اما اگر از آن‌ها خواسته شود که یک جمله ساده به زبان انگلیسی یا عربی به صورت شفاهی بیان کنند قادر به انجام آن نیستند و این ضعف کلی آموزشی در کشور ما و کشورهای شبیه ما را می‌رساند. بنابراین ضروری است که متخصصین آموزش در کشور هرچه سریع‌تر روش‌های قدیمی و بی کیفیت آموزش که عملاً بازدهی آن‌ها بسیار پایین است را با روش‌ها و متدهای صحیح‌تر و علمی‌تر آموزشی جایگزین نمایند و برای انجام این امر مهم می‌توان از کشورهای صاحب پیشرفت و از طریقه آموزشی آن‌ها که مؤثر بوده است نیز استفاده و الگوبرداری صحیح با حفظ اصول کلی جامعه خود نمود.

عدم قطع مطالعات قرآنی در تمامی مقاطع تحصیلی

نکته‌ای در خور توجه این است که آموزش قرآن کریم در همه ابعاد آن در هیچ مقطع تحصیلی نباید قطع گردد. به عنوان مثال در همین جامعه کنونی ما دیده می‌شود که بسیاری از دانش آموزان مقاطع پایین‌تر در همان اوایل تحصیل دوره‌هایی از قرآن را حفظ نموده‌اند مخصوصاً جزء سی‌ام قرآن کریم. ولی به علت ایجاد وقفه و روش نامناسب آموزشی به جای اینکه این روش آموزشی یعنی حفظ قرآن به صورت منسجم و منظم ادامه یابد اکثراً دیده می‌شود که این دانش آموزان حافظ جزء سی‌ام قرآن در مقاطع تحصیلی بالاتر همین حفظ جزء سی‌ام را نیز به دست فراموشی می‌سپزند و با رفتن به مقاطع تحصیلی بالاتر گام به گام از قرآن کریم در ابعاد مختلف حفظ، روخوانی و روانخوانی و... فاصله می‌گیرند. بنابراین ضرورت دارد که آموزش قرآن همانگونه که در مقاطع پایین‌تر تحصیلی انجام می‌گیرد با همان قوت در مقاطع تحصیلی بالاتر انجام گیرد و با مداومت و نظم و انسجام در روش آموزشی قرآن کریم از ایجاد وقفه در تحصیل علوم قرآنی جلوگیری شود.

نمونه‌هایی از سرفصل قرار دادن آیات قرآن کریم در علوم مختلف

طریقه سرفصل قرار دادن آیات قرآن کریم در مباحث علوم مختلف مانند علوم انسانی و علوم تجربی و... به این نحو ارائه می‌گردد که در مورد آن علم خاص آیه‌ای از قرآن

کریم با مضمون و مفهومی در آن رابطه آورده می‌شود که با آن موضوع ارتباط مفهومی داشته باشد. در ادامه به چندین مثال اشاره می‌کنیم:

آیه مرتبط با علم زمین‌شناسی

۱. مثلاً می‌توان در سرفصل کتب با موضوع علم زمین‌شناسی در ابتدای کتاب و در فصل اول آن آیه شریفه زیر آورد:

﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَمَدًا وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ (نمل/ ۸۸)

«و کوه‌ها را می‌بینی [و] می‌پنداری که آن‌ها بی حرکت‌اند و حال آنکه آن‌ها ابرآسا در حرکت‌اند [این] صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهی آگاه است»

پس از خواندن آیه شریفه، معنای آن را بیان کرده و بعداً به نکات تفسیری که در مورد این آیه توسط دانشمندان قبل و دانشمندان معاصر بیان شده است، پرداخت. در مرحله بعد به عنوان تحقیق از دانشجویان خواسته شود که نظرات و دیدگاه‌ها و برداشت‌های علمی خود را در مورد این آیه بیان نمایند و دانشجویان، خود با تحقیق حول محور این آیه شریفه به تبادل نظر بپردازند که منظور این آیه شریفه که حدود ۱۴۰۰ سال پیش نازل گردیده است از اینکه «کوه‌ها همانند ابرها در حرکت‌اند» چیست؟ منظور از «اتقان» در آیه شریفه چیست؟ البته در خود کتاب هم می‌توان بعضی از نکات تفسیری دانشمندان آورده شود تا دانشجویان، ضمن آگاه شدن از نظرات دانشمندان دیگر برداشت‌های خود را نیز از آیه شریفه ابراز نمایند و در قالب تحقیق یا مقاله یا ... بیان نمایند.

۲. وجود قاره دیگر با توجه به آیه ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ (رحمان/ ۱۷): «پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر».

۳. کروی بودن زمین با توجه به آیه ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ﴾ (معارج/ ۴۰): «به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می‌کنم».

و از دانشجویان خواسته شود منظور از جمع آوردن مشارق و مغارب چیست و چه مفاهیمی می‌تواند در آن نهفته باشد را مورد بررسی و تحقیق قرار دهند.

آیه مرتبط با موضوع علم روان‌شناسی

﴿الَّذِينَ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)

«آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد»

پس از خواندن آیه، معنای آیه گفته شود و در ادامه به نکات تفسیری برداشتی از تفاسیر دانشمندان قبل و همچنین دانشمندان قرن حاضر پرداخته شود. بعد از این مرحله از دانشجویان خواسته شود که راجع به اینکه «چگونه قلب و روح و روان با یاد خداوند متعال آرامش می‌گیرد» و مطالبی پیرامون این موضوع به بحث و تبادل نظر بپردازند و تأثیرات ایمان به خداوند متعال و یاد قیامت بر روی روح و روان آدمی به گونه‌ای علمی مورد تحقیق و کنکاش قرار دهند و برداشت‌های خود را در قالب تحقیق، مقاله و یا ... بیان نمایند.

آیات مرتبط با کیهان‌شناسی و علم فیزیک

۱. انفجار بزرگ

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ (انبیاء/۳۰)

«یا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم»

در پی کشف انبساط فضا به لحاظ منطقی این فرض پیش آمد که در گذشته همه چیز به هم نزدیک‌تر بوده‌اند. محاسبات نشان دادند که با عقب رفتن بیش‌تر در زمان نهایتاً همه چیز از جمله زمین در یک نقطه بی‌نهایت متراکم جمع می‌شدند که در حالتی فوق بحرانی تا ابعادی در حد صفر منقبض بود. نقطه‌ای در حجم صفر یا به عبارتی عدم. سپس در انفجاری بزرگ همه چیز از جمله زمان، فضا، ماده و انرژی به شکل امروزی تکامل یافته و از همان نقطه تشکیل و تفکیک شده. قرآن در این مورد نیز آیه‌ای بسیار شفاف و روشن دارد.

۲. کاهش اکسیژن و تنگ شدن نفس با افزایش ارتفاع

قرآن ۱۴۰۰ سال پیش در مورد کاهش اکسیژن و تنگ شدن نفس با افزایش ارتفاع سخن گفته است:

﴿وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُصَلِّهٖ يَجْعَلْ صَدْرَهُ صَيِّحًا حَرْجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾ (انعام/ ۱۲۵)

«و هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می رود»

حال از دانشجویان خواسته شود اینکه علم امروزه اثبات کرده که با افزایش ارتفاع و فاصله از سطح زمین، فشار هوا افزایش یافته و مقدار اکسیژن هوا به شدت کاهش می یابد را با مفاهیم این آیه شریفه مقایسه نموده و نکات برداشتی از این آیه شریفه را در قالب تحقیق ارائه نمایند.

۳. انبساط فضا

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات/ ۴۷)

«و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم و بی گمان ما [آسمان] گستریم»

در سال ۱۹۲۹/دوین هابل، ستاره شناس معروف آمریکایی، با استفاده از اثر انتقال سرخ، کشف کرد کلیه کهکشانها از هم دور می شوند و فضا منبسط می شود. به عبارتی ابعاد جهان پیوسته توسعه می یابد. تا پیش از آن تصور می شد که جهان در ابعاد و سایر پارامترها کاملاً ساکن است و این آیه کاملاً به این موضوع اشاره کرده است.

در اینجا می شود این انتظار را از دانشجویان داشت که یافته های علمی قرون اخیر در رابطه با این موضوع که جهان اصلاً به صورت ایستا و ساکن نیست و همواره در حال افزایش وسعت و افزایش حجم است را با این آیه شریفه مورد بررسی قرار دهند و نتایج تحقیقات خود را به صورت منطقی ارائه دهند.

۴. لایه اُزن

﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ﴾ (انبیاء/ ۳۲)

«و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و [الی] آنان از [مطالعه در]

نشانه های آن اعراض می کنند»

از دانشجویان خواسته شود رابطه موضوع لایه اُزن که لایه‌ای محافظ برای زمین است را با توجه به این آیه مورد تفحص و تحقیق قرار دهند.

۵. جاذبه عمومی

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ (رعد / ۲)

«خدا [همان] کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید برافراشت...»

﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ (لقمان / ۱۰)

«آسمان‌ها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد...»

از نظر بعضی مفسرین معاصر با توجه به این آیات نیروی جاذبه عمومی ثابت می‌شود.

آیات مرتبط با علم پزشکی و زیست‌شناسی

﴿خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ۖ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ (طارق / ۶-۷)

«از آب جهنده‌ای خلق شده، از صلب مرد و میان استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید»

پس از قرائت همراه با ترجمه آیات از محققین و دانشجویان خواسته شود اینکه انسان محصولی خارج شده از بین صُلب و ترائب را با علم پزشکی امروزه مورد تحقیق و بررسی قرار دهند.

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (ذاریات / ۴۹)

«و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم امید که شما عبرت بگیرید»

﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ (یس / ۳۶)

«پاک [خدایی] که از آنچه زمین می‌رویانند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی‌دانند همه را نر و ماده گردانیده است»

کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه فولادوند.

خالدی صلاح، عبد الفلاح. ۱۴۱۸ق، *التفسیر الموضوعی بین النظرية والتطبيق*، اردن: دار النفائس.
رجایی، حمید. ۱۳۸۹ش، آفرینندگی، *تفکر جانبی و باور دینی (درآمدی به تولید علوم انسانی اسلامی)*، چاپ اول، اصفهان: انتشارات شهر من.

عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۷۳ش، *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*، تهران: چاپ ارشاد.

عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۷۸ش، *تفسیر عیاشی*، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة.

لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، کد: ۱۰۰۱۱۶۶۲۷/۲.

معرفت، محمد هادی. ۱۴۱۸ق، *التفسیر والمفسرون*، مشهد: الجامعة الرضویه.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۴ش، *پیام قرآن*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

Bibliography

The Holy Quran. Translated by Fooladvand.

Khaledi Salah, Abdul Falah. 1418 AH, *Thematic Interpretation between Theory and Application*, Jordan: Dar al-Nafaes.

Rajae, Hamid 2010, *Creativity, Lateral Thinking and Religious Belief (Introduction to the Production of Islamic Humanities)*, First Edition, Isfahan: Shahr-e Man Publications.

Amid Zanjani, Abbas Ali 1994, *Principles and Methods of Quran Interpretation*, Tehran: Ershad Publishing.

Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud. 1999, *Tafsir Ayashi*, first edition, Qom: Al-Basa Foundation.

Porseman CD, *Advisory Office of the Representation of the Supreme Leader in Universities*, Code: 2/100116627.

Marefat, Mohammad Hadi 1418 AH, *commentary and commentators*, Mashhad: Al-Jamea Al-Razaviya.

Makarem Shirazi, Nasser and others. 1995, *Message of Quran*, Qom: School of Imam Ali Ibn Abi Talib (AS).

Necessity of Thematic Interpretation of Verses in order to Accelerate the Scientific Process of Humanities Topics

Rohollah Zaheri

MA, Instructor at Payame Noor University of Malekshahi

Zahra Zaheri

MA, Instructor in the Department of Islamic Education, Ilam University and Ilam Farhangian University

Abstract

In the present age, as much as science and technology have progressed, the level of human intellect has also been affected by this progress. Therefore, it is necessary that in these special temporal conditions, the principles of the Holy Quran to be scientifically studied and analyzed according to the needs and intellectual level of modern human societies. One way to achieve this goal is to focus on "thematic" verses of the Qur'an in such a way that about various topics in the humanities, the verses related to those topics are arranged in a coherent and "thematic" way and then to be used in different situations and occasions in different books and according to the subject, to analyze different issues of humanities; Therefore, it is necessary that by reviewing thematic interpretations, those interpretive subjects in completely scientific, logical and argumentative formats to be included in the heading of all sciences and especially humanities books extensively (not only in interpretive books).

Keywords: Holy Quran Humanities Thematic Interpretation Science.